

### متن پرسش

با سلام و احترام: سوالی از خدمت تون داشتم. در صورت امکان لطف کرده و پاسخ درخور ارائه کنید. آیا ما می‌توانیم برای دیگران پرسش ایجاد کنیم؟ آیا اساسا امکان این امر برای ما محقق است؟ اصلا آن چیزی که پرسش می‌نامندش، چیست؟! آیا «پرسش داشتن» امری اراده محور هست یا خیر؟ آیا «پرسش» موهبت است که نیاز به قابلیت دارد یا یک فعل است که نیاز به فاعلیت؟ چرا و چطور؟ آیا صرف روبرو ساختن فرد با یک مسئله جدید و انتباه دادن وی به این که باید راجع به فلان مسئله مهم بیاندیشد، تبدیل به «پرسش» می‌شود؟ به راستی «پرسش» چیست؟ گمان حقیر بر این است که جامعه ما و خصوصا جوانان و الأخص فرهیختگان و ودعیان فهم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با مشکل نداشتن پاسخ مواجه نیستند بلکه اساس مشکل، نداشتن پرسش است. حال آیا می‌توان برای دیگران پرسش ایجاد کرد؟ و تکرار می‌کنم، «پرسش» چیست؟ پیشاپیش ممنون از بذل توجه حضرتعالی

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما نمی‌توانیم برای دیگران پرسش به معنایی که فیلسوف و فلسفه مطرح می‌کنند، ایجاد کنیم. پرسش‌گری در رابطه با درک روح زمانه برای انسان متفکر پیش می‌آید از آن جهت که جایگاه روح زمانه را حس کرده است و این که چه نسبتی با فضای تاریخی پیش آمده باید پدید آورد و چگونه باید متذکر آن فضا شد. پرسش از زمانه نظر به معنای رسالت تاریخی دارد که هر انسان می‌تواند آن رسالت را در خود ایجاد نماید. آری! تذکر به رسالت تاریخی به عنوان راه هویت‌بخشی هرکس به خودش، چیزی است که می‌توان آن را با بقیه در میان گذاشت و به گفتمان به معنی حقیقی آن، معنا بخشید. و این در صورتی ممکن است که هیچ کس، هیچ فکر و سخنی را تمام شده تصور نکند. موفق باشید